

## روابط اردن و اسرائیل در سایه پیمان صلح

خالد عبدالرزاق الحباشنة، العلاقات الاردنية و الاسرائيلية في ظل معاهدة السلام، بيروت: بیسان للنشر والتوزيع والاعلان، ۱۹۹۹، ۴۵۵ ص.

### مهدي قويدل

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط

بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

روابط دیپلماتیک واحدهای سیاسی

در روابط بین الملل طیفی از هماهنگی،

همکاری و همگرایی را در پی دارد. این

روابط منحصر به جنبه های مسالمت آمیز

نیست، بلکه کشمکش و درگیری بین

واحدهای سیاسی نیز جزئی از روابط

دیپلماتیک است. روابط دوجانبه پادشاهی

اردن و دولت اسرائیل از بهترین نمونه های

این گونه روابط است. این دو کشور پس از

چند دهه درگیری، در نوامبر سال ۱۹۹۴

پیمان صلح امضا کردند. بدین ترتیب، در

روابط دوجانبه اردن و اسرائیل با توجه به

شرایط جدید محیط بین المللی و منطقه ای

فصل جدیدی آغاز شد. مسئله فلسطین،

مهمترین متغیر تاثیرگذار بر این روابط

است. بررسی روابط این دو کشور بدون در

نظر گرفتن مسایل فلسطین نارسا است.

اردن، همزیستی مسالمت آمیز را با اسرائیل

انتخاب کرده است. روابط تفاهم آمیز و

درک متقابل که هم اکنون بین اردن و

اسرائیل وجود دارد از فردای امضای پیمان

صلح وادی عربی آغاز نشد، بلکه امتداد

طبیعی تاریخ طولانی تماسها و تفاهمات بین

خانواده هاشمی در اردن و رهبران

صهیونیستی است.

پیمان صلح بین اردن و اسرائیل، تنها

شامل پایان دادن به جنگ نیست، بلکه در

برگسیرنده روابط همکاری دوجانبه در

زمینه های مختلف نیز هست که به گفته

برخی تحلیلگران حتی به مرز همکاریهای

امنیتی نیز می رسد. در راهبرد جدید

منطقه ای آمریکا و سیاست امنیتی اسرائیل،

اردن به عنوان یکی از طرفهای ترتیبات

جدید امنیتی، جایگاه ویژه ای دارد. اردن بر

این باور است که با امضای پیمان صلح با

اسرائیل، تهدید اصلی برای حاکمیت ملی و

یکپارچگی سرزمینی کشور را دفع کرده و

شاید آن را به فرصت تبدیل کرده است. این کتاب با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی به مهمترین رویدادهای سیاسی مربوط به روابط بیشتر دشمنانه اردن و اسرائیل می‌پردازد. کتاب در چهار فصل دسته‌بندی شده است. فصل یکم به ریشه‌های تاریخی روابط اردن و اسرائیل، فصل دوم به پیمان صلح اردن و اسرائیل، فصل سوم دورنمای روابط اردن و اسرائیل و فصل چهارم به اسناد روابط دو کشور پرداخته است. نویسنده کتاب «خالد عبدالرزاق الحباشنه» از اردن دارای گواهی کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه امان و کارشناسی ارشد مطالعات ملی از دانشگاه المستنصریه بغداد در سال ۱۹۹۸ است. این کتاب، رساله کارشناسی ارشد ایشان است. وی در سال ۱۹۸۹ به عنوان نماینده مجلس نمایندگان اردن از استان الکرک وارد پارلمان این کشور شد. فصل یکم به ریشه‌های روابط اردن و اسرائیل می‌پردازد. کنفرانس «سان رمو» در ژوئیه ۱۹۲۰، اردن و فلسطین را که تا آن هنگام (پس از جنگ جهانی) با عراق جزو سوریه عربی بودند، تحت قیمومت انگلستان قرار داد. در

ماه مه ۱۹۲۳، انگلستان استقلال اردن شرقی را به رسمیت شناخت و در مارس ۱۹۴۵، اردن یکی از هفت کشور عربی بود که منشور اتحادیه عرب را امضا کرد. از اواسط دهه ۳۰ تماسهای ملک عبدالله با آژانس یهود آغاز شد. بیشتر گفت‌وگوهای وی با آژانس یهود مربوط به مهاجرت یهودیان و فروش یا اجاره سرزمینها بود. مسئله فلسطین نیز همواره یکی از محورهای گفت‌وگوهای نماینده ملک عبدالله با نماینده آژانس یهود بود. اداره سیاسی آژانس یهود در سال ۱۹۳۴ به ملک عبدالله به خاطر ازدواج، هدیه (طلا و ساعت دیواری) داد. گفته می‌شود در ازای امتیازاتی که ملک عبدالله به یهودیان می‌داد، آژانس یهود از وی حمایت مالی به عمل می‌آورد.

در ساعت چهار بعدازظهر روز چهاردهم ماه مه ۱۹۴۸، دیوید بن گوریون در جمع اعضای شورای ملی یهود در تل‌آویو پایه‌گذاری دولت اسرائیل را اعلام کرد. حکومت‌های عربی در دوازدهم آوریل ۱۹۴۸ در نشست دمشق بر سر مداخله نظامی برای رهایی فلسطین به توافق رسیده بودند. ملک

عبدالله در خاطر آتش می نویسد: «این مداخله عربی در جنگ ۱۹۴۸ تنها یک نمایش بود.» کمیته سیاسی شورای اتحادیه عرب درخواست شورای امنیت سازمان ملل را برای آتش بس در جنگ ۱۹۴۸ بر سر فلسطین پذیرفت، ولی در نوامبر ۱۹۴۸ بر خلاف انتظار، ملک عبدالله حاکمیت خود را بر فلسطین اعلام کرد. «یوسیمی لمان» و «دان ریف»، دو نویسنده اسرائیلی می نویسند که این اقدام ملک عبدالله، مانع تشکیل کشور مستقل فلسطین در آن زمان شد.

در ماه مه ۱۹۵۳، پس از ترور ملک عبدالله، حسین، پادشاه اردن شد که در آن زمان هجده سال داشت. وی شروع به عربی کردن ارتش اردن و اخراج مقامات نظامی انگلیس کرد. در اواسط دهه ۶۰، پس از جنگ ۱۹۶۷، شاه حسین با برخی رهبران اسرائیلی وارد تماس شد. در این تماسها، اردن و مصر به حق زندگی کردن اسرائیل در صلح و امنیت اذعان کردند. از این دهه، آمریکایی ها به جای انگلیسی ها به تدریج وارد تحولات فلسطین شدند و در دهه ۷۰ ما شاهد هماهنگی مصر و اردن با

آمریکایی ها بر سر مسئله فلسطین هستیم. از مهمترین رویدادهای مربوط به روابط اردن با مسئله فلسطین، درگیری ارتش اردن با فداییان فلسطینی در سپتامبر ۱۹۷۰ است که در پی آن سازمانهای فلسطینی از اردن خارج شدند و حملات چریکهای فلسطینی از مرز اردن به اسرائیل متوقف شد. پس از جنگ سال ۱۹۷۳، شاه حسین با مسئولان اسرائیلی وارد گفت و گو شد که ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، در خاطر آتش آن را فاش کرده است. پس از آنکه مصر در سال ۱۹۷۸ با اسرائیل در کمپ دیوید به توافق رسید، اردن اعلام کرد که هیچ دخالتی در آن ندارد و آن را رد کرد.

دهه ۸۰ آغاز مرحله حساسی برای جهان عرب بود. جنگ ایران و عراق، حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰، باعث دودستگی در جبهه اعراب و تضعیف آنها و تقویت موقعیت اسرائیل شد. تماسهای شاه حسین با اسرائیل که مدتی قطع شده بود، در سال ۱۹۸۵ از سر گرفته شد. با مطالعه مسیر روابط اردن و اسرائیل، این

نتیجه به دست می‌آید که اندیشه همزیستی مسالمت‌آمیز بین اردن و اسرائیل و حل مشکل فلسطین از طرق مسالمت‌آمیز نزد رهبران اردن به رغم موانع داخلی در اردن، موانع عربی و موانع بین‌المللی همیشه وجود داشته است. این افکار در نهایت به امضای پیمان صلح وادی عربیه بین دو طرف در سال ۱۹۹۴ منجر شد.

فصل دوم به پیمان صلح اردن و اسرائیل می‌پردازد و مسایل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پیمان ۳۰ ماده‌ای در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۴ به امضا رسید. ماده یکم به برقراری صلح بین دو طرف، ماده دوم به اصول کلی، ماده سوم به مرزهای دو طرف، ماده چهارم به امنیت، ماده پنجم به روابط دوجانبه، ماده ششم به مسایل مربوط به آب، ماده هفتم به روابط اقتصادی، ماده هشتم به آوارگان و پناهندگان، ماده نهم به اماکن تاریخ و دینی، ماده دهم به روابط فرهنگی و علمی، ماده یازدهم به درک متقابل و روابط حسن هم‌جواری، ماده دوازدهم به مبارزه با مواد مخدر و جنایات، ماده سیزدهم به حمل و نقل، ماده چهاردهم

به آزادی کشتیرانی و دسترسی به بنادر، ماده پانزدهم به هواپیمایی کشوری، ماده شانزدهم به پست و ارتباطات، ماده هفدهم به جهانگردی ماده، ماده هجدهم به محیط زیست، ماده نوزدهم به انرژی، ماده بیستم به توسعه دره رود اردن، ماده ۲۱ به بهداشت، ماده ۲۲ به کشاورزی، ماده بیست و سوم به بندر العقبة و ایلات، ماده ۲۴ به درخواستهای مالی دوطرف، ماده ۲۵ به حقوق و وظایف دوطرف و ماده ۲۶ به مواد مندرج در پیمان اشاره می‌کند. مواد ۲۷ تا ۳۰ به اقدامات مربوط به تصویب پیمان صلح اشعار دارد. آغاز دهه ۹۰ قرن بیستم، فروپاشی شوروی، تشدید بحران در نظام امپریالیسم جهانی و جنگ کویت، زمینه را برای تغییر محیط امنیتی در خاورمیانه فراهم آورد. خروج از معادله کشمکش اعراب و اسرائیل، دادن مشروعیت حقوق بین‌الملل به تجاوزهای اسرائیل به خاک کشوری عربی، تضعیف جبهه جهان عرب در پی خروج اردن از معادله کشمکش اعراب و اسرائیل، نادیده گرفته شدن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد که تا آن زمان علیه اسرائیل صادر شده بود، فراهم آمدن زمینه

ایجاد نظام سیاسی منطقه‌ای تحت نظارت آمریکا، موفقیت رژیم صهیونیستی در تضعیف ابعاد سیاسی و راهبردی، مشکل آوارگان فلسطینی، ایجاد واقعیت جدید سیاسی درباره شهر بیت المقدس، فراهم آمدن زمینه انجام پروژه‌های مشترک بین اردن و اسرائیل و ثبات سیاسی برای اسرائیل از جمله مسایل سیاسی مربوط به پیمان صلح بین اسرائیل و اردن محسوب می‌شود. در یک کلمه، همه این آثار سیاسی ناشی از پیمان را می‌توان در تغییر موازنه قدرت به نفع اسرائیل خلاصه کرد.

ماده چهارم پیمان صلح اردن و اسرائیل به همکاری مشترک دو کشور در مسایل مربوط به امنیت اشعار دارد. خودداری طرفین به تهدید به زور و اقداماتی که به امنیت دو کشور زبان می‌زند، تضمین جلوگیری از تبدیل خاک دو کشور به منبع و پناهگاه حملات مخالفان یا اقدامات دشمنانه، خودداری کردن از ورود به پیمانهای نظامی یا امنیتی با طرف سوم که در جهت تهدید امنیت یکی از طرفین باشد، مبارزه با تروریسم، کنترل مرزی و خلع سلاح و امنیت منطقه‌ای از جمله مسایل

امنیتی پیمان صلح بین دو کشور است. نویسندگان بر این باور است که طرف اردنی با امضای این پیمان در واقع، مسئولیت حفظ امنیت رژیم صهیونیستی را عهده دار شد که این امر با تعهدات اردن در پیمان دفاع مشترک و همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو اتحادیه عرب منافات دارد.

ماده هفتم پیمان صلح اردن و اسرائیل به بررسی مسایل اقتصادی دو طرف می‌پردازد. بر این اساس، توسعه اقتصادی یک هدف اساسی است که دو طرف از طریق همکاریهای اقتصادی برای دستیابی به آن تلاش خواهند کرد. پایان دادن به تحریم اقتصادی اسرائیل از سوی اردن، لغو سیاست حمایت‌گرایی در دادوستدهای بازرگانی دوطرفه، همکاری در زمینه‌های مختلف بازرگانی و دادوستد آزاد کالا و خدمات، همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری و پروژه‌های مشترک، از جمله مسایل اقتصادی مربوط به پیمان صلح دو کشور است. لغو تحریمهای اقتصادی و عادی‌سازی روابط بین دو کشور، از جمله درخواستهای قدیمی اسرائیل بود که در این پیمان به آن دست

یافت. با مطالعه ظرفیتهای اقتصادی بین دو طرف، اسرائیل طرف برنده همکاریهای اقتصادی است. با توجه به اهمیت بالای بعد فرهنگ در حفظ میراث فرهنگی و تمدنی یک کشور، پیمان صلح اردن و اسرائیل از مسئله عادی سازی فرهنگی بین دو طرف غافل نبوده است. هدف اسرائیل در تعامل با کشورهای عربی، نه تنها پایان دادن به جنگ و برقراری روابط صلح آمیز، بلکه عادی سازی کامل روابط برای اثرگذاری بر فرهنگ و تمدن جهان عرب نیز بوده است. ماده یک پیمان صلح به مبادلات فرهنگی و علمی دو طرف اشاره می کند. اقدام رسانه های دولتی اردن به آماده سازی افکار عمومی داخل برای همزیستی مسالمت آمیز با اسرائیل و تعدیل شیوه های تدریس در مراکز آموزشی اردن از جمله آثار منفی عادی سازی روابط فرهنگی دو کشور بر اردن از نظر نویسندگان است.

فصل سوم کتاب به دورنمای روابط اردن و اسرائیل می پردازد و به روند عادی سازی و نقش مخالفان اردنی اشاره می کند. شیمون پرز، نخست وزیر و وزیر امور خارجه پیشین اسرائیل، در کتاب

خاورمیانه جدید خود نوشته است: «صلح بین اسرائیل و همسایگان عربش، محیط مناسبی را برای ترتیبات منطقه ای فراهم و مشروعیت اسرائیل را تضمین می کند.» با توجه به اینکه اسرائیل در چارچوب اهداف سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه برای بهبود موقعیت سیاسی و نفوذ اقتصادی در منطقه تلاش می کند، عادی سازی روابط می تواند زمینه تحقق این اهداف را فراهم آورد. مطالعه همکاریهای دوجانبه اردن و اسرائیل در سالهای اخیر نشان می دهد اردن اقداماتی را در جهت عادی سازی روابط خود با اسرائیل در زمینه های سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی و زمینه های فرهنگی برداشته است. نویسنده بر این باور است، در حالی که اسرائیل سرزمینهای کشورهای عربی را اشغال می کند، عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی معنا ندارد. مسایل داخلی اردن، به ویژه موضع مخالفان نسبت به پیمان صلح این کشور با اسرائیل از مسایل مهم محسوب می شود. هنگامی که از مخالفان سخن به میان می آوریم، منظور ما احزاب مخالف سیاسی و سندیکاهاى حرفه ای است.

هنگامی که گفت‌وگوهای اردن و اسرائیل برای پیمان صلح آغاز شد، احزاب سیاسی اردن با صدور بیانیه‌ای با رد این گفت‌وگوها و همچنین مردود داشتن توافقیهای اسلو در سال ۱۹۹۱ و کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۳ خواستار هماهنگی و همکاری همه احزاب عربی برای رویارویی با روند عادی‌سازی روابط و حمایت از مقاومت در برابر اسرائیل شدند. موضع احزاب سیاسی مخالف اردن با روند عادی‌سازی، دوگونه بود. برخی از احزاب اصل گفت‌وگو و پیمان صلح اردن و اسرائیل را رد می‌کردند و برخی دیگر با اصل پیمان نامه مخالف نبودند و بر سر جزییات پیمان نامه اختلاف داشتند؛ مانند حزب کمونیست اردن. احزاب گروه نخست، مانند حزب جبهه اقدام اسلامی. سندیکاهای حرفه‌ای نیز نقش بارزی در مقابله با امضای پیمان صلح بین اردن و اسرائیل ایفا کردند. شورای سندیکاهای حرفه‌ای کشور با صدور بیانیه‌ای در سوم ژوئیه ۱۹۹۴ هشدار داد روند مذاکرات اردن و اسرائیل منجر به ایجاد نظام منطقه‌ای جدیدی خواهد شد که در آن هویت ملت عربی و اسلامی محو

خواهد شد. علاوه بر احزاب و سندیکاهای جمعیت‌های مختلف ضد صهیونیستی و ضد عادی‌سازی نیز در اردن فعالیت دارند.

از مطالعه این کتاب به این نتیجه می‌رسیم که روابط تفاهم‌آمیز کنونی بین اردن و اسرائیل، تنها از طریق امضای پیمان صلح به وجود نیامده است، بلکه به تدریج، ناشی از فرایند تاریخ روابط هماهنگی و همکاری دو طرف است. این مسئله در اصل به ساختار نظام سیاسی در اردن و روابط خانواده هاشمی با مقامات یهودی برمی‌گردد. روابط دو کشور پس از پیمان صلح به ابعاد سیاسی و نظامی محدود نشد، بلکه شامل همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نیز شد. روابطی که هم اکنون اردن با اسرائیل برقرار کرده است، پر حجم‌تر از روابط اردن با هر کشور عربی دیگر است. اردن در پیمان صلح با اسرائیل در مورد مسئله فلسطین امتیاز داد. دو طرف متعهد شدند موجودیت سیاسی مستقلی بین مرزهای اردن و اسرائیل تاسیس نشود که این مسئله، دورنمای تاسیس دولت فلسطین را تاریک می‌کند. اردن به همراه مصر تنها دو کشور عربی هستند که با

اسرائیل پیمان صلح امضا کرده‌اند. ماهیت نظام سیاسی این دو کشور عربی و روابط آنها با آمریکا از متغیرهای مهمی است که باید در روابط اردن و مصر با اسرائیل مورد لحاظ قرار بگیرد. اینجا مفهوم امنیت حکومت به جای امنیت ملی مطرح می‌شود؛ چون صلح بین اردن و مصر با اسرائیل هنوز از مرحله صلح سرد فراتر نرفته است. افکار عمومی در اردن هنوز به طور کامل اسرائیل را نپذیرفته‌اند، هر چند که مقامات اردنی روی کاغذ به شرایط وجودی اسرائیل تن داده‌اند.

نویسنده پس از پایان این سه فصل، متن کامل پیمان صلح اردن و اسرائیل و فهرست اسناد و نقشه‌ها و منابع را آورده است. وی در نگارش این کتاب که در واقع، پایان نامه کارشناسی ارشد است، از منابع بسیار و گوناگونی استفاده کرده است و مرجع علاقه‌مندان و کارشناسان مسایل خاورمیانه، به ویژه روابط اسرائیل با کشورهای عربی به حساب می‌آید.

